

جواد مجابی

دروازه



ISBN 978-9953-0-2542-5
 ۹۷۸۹۹۵۳۰۰۲۵۴۲۵
 ۹۷۸۹۹۵۳۰۰۲۵۴۲۵
 ۹۷۸۹۹۵۳۰۰۲۵۴۲۵

۷
 ۸
 ۹
 ۱۰
 ۱۱
 ۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰

فهرست

- ۷..... عمارتِ مبارکه خوابگاه.
- ۲۱..... شکارگاه مبارکه.
- ۳۳..... لطفاً درب را ببندید!
- ۵۹..... خیابان دره خونه.
- ۷۱..... شبکه‌ای رو به حقیقت.
- ۸۵..... مزاحم نشوید!
- ۱۱۵..... آپاراتخانه کجدار و مریز!
- ۱۲۵..... توی حیاط صنایع مستظرفه.
- ۱۳۵..... شجره‌نامه زال.
- ۱۴۳..... درون دستگاہ آینده‌پرداز.
- ۱۶۹..... روی پل نقاشی شده.
- ۱۸۵..... مرگ آمده بود.
- ۱۹۳..... یک دیدار ساده.
- ۱۹۷..... همه چیز تحت کنترل است.
- ۲۲۳..... کمی دروغ، به خودم.
- ۲۴۷..... کشورم را خواب می‌دیدم.
- ۲۵۷..... ورود به دبستان بوستان.

عمارتِ مبارکهٔ خوابگاه

* روزی از روزگار هجری قمری

سام اگر هوس مطالعه کند، داستان هم می‌خواند؛ البته همان‌ها را می‌خواند که پیش از آن نوشته است. برای یک داستان عالی تحسین یک خوانندهٔ عالی هم کفایت می‌کند.

همین حالا که یکی از داستان‌های پیشین خود را روی مونیاتور می‌خواند، دید اسم، حالات و حرکات یکی از قهرمان‌های داستانش پاک شده است و بقیهٔ آدم‌ها و ماجراهاشان با تمامی جزئیات به جا مانده‌اند. اول فکر کرد داستانش چنین قهرمانی نداشته، اما در متن باقی‌مانده، اشاره می‌شد به کسی که نبود و می‌توانست باشد و پیدا نبود که چرا نیست. شاید در یک ویراستاری مستانه زده بود چیزی را که نباید بزند.

بعد، احتمال ضعیفی داد که علت این درهم‌ریختگی، فراموشی حرفه‌ای باشد. پس از تردیدهای سوزانی عاقبت پذیرفت که پی‌سی آن شخصیت را ضبط کرده اما به حافظه نسپرده است. این فرض آسان‌تر بود و به غرور کسی هم بر نمی‌خورد.

می‌توانست از خیر آن داستان بگذرد اما دید داستان‌های دیگرش هم، هر یک به گونه‌ای، دچار پاک‌شدگی گشته است.